هفته نامهٔ

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکربند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

سرمقاله

تأخیر در برگزاری انتخابات خلای قانونی در کشور ایجاد می کند
ص۲

رنسانس در افغانستان و مشابهت های آن با غرب
ص۴

دور ششم – سال هفتم – شمارهٔ سی وچهارم شنبه ۱۲ دلو ۱۳۸۷- ۵ صفر ۱۴۳۰ -
31 - January 2009

به تأخیر انداختن انتخابات

جدال حکومت و پارلمان

مصطفی شهری



پس از بگو و مگوهای فراوان دربارهٔ به تأخیرافتادن انتخابات میان اطراف و جناح ها و نهادهای مخالف و موافق حکومت بالآخره کمیسیون مستقل انتخابات به تأخیر افتادن آن را رسماً اعلام کرد.

روز پنجشنبه ۱۰ دلو آقای عزیز لودین رئیس این کمیسیون دریک نشست خبری درکابل گفت که انتخابات ریاست جمهوری با چهارماه تأخیر در ۲۹ اسد سال ۱۳۸۸ برگزار خواهد شد، وی کمبود بودجه و شرایط امنیتی و مسایل فنی را مانع از برگزاری انتخابات در موعد مشخص آن دانست، به گفتهٔ آقای لودین این زمان پس از مشورت وتبادل نظر با مقامات امنیتی و نیروهای ائتلاف در افغانستان تعیین شده است. او نیز گفت اگر کمیسیون پول کافی مورد نیاز انتخابات را نتواند پیش از این موعد به دست آورد باری دیگر انتخابات را به تأخیر خواهد افگند.»

این درحالی است که بیشترینهٔ اعضای مجلس نمایندگان و احزاب سیاسی خواستار برگزاری انتخابات در زمان معین آن بر وفق قانون اساسی یعنی پیش از ماه جوزای سال آینده شده اند.

مجلس نمایندگان چندی پیش با اصدار اعلامیه یی تاکید کرده بود که برگزاری انتخابات ریاست جمهوری نباید به تأخیر انداخته شود و همچنین در این اعلامیه تاکید شده بود که ادامهٔ کار رئیس جمهور از ماه جوزای سال آینده به بعد غیرقانونی است.

آقای لودین در این نشست خبری گفت با پایان یافتن دورهٔ کنونی ریاست جمهوری درماه جوزای سال آینده پارلمان افغانستان باید در بارهٔ سمت ریاست جمهوری تا برگزاری انتخابات تصمیم بگیرد تا ریاست جمهوری بدون متصدی نماند. غریب تر از این پیشنهاد آقای لودین تفسیر ایشان از بند ۲ ماده شصت ویکم قانون اساسی (وظیفهٔ رئیس جمهور در اول ماه جوزای سال پنجم بعد از انتخابات پایان می یابد)

ادامه درص۷



ادامهٔ اقتدار

مهم ترین استراتیژی آقای کرزی

احمد مهدی

کرزی که در سال ۱۳۸۰ در اجلاس بن به عنوان رئیس اداره موقت افغانستان تعیین شد، پس از شش ماه در لویه جرگه اضطراری ۱۳۸۱، ریاست حکومت انتقالی را بدست آورد و در انتخابات۱۳۸۳ به حیث رئیس جمهوری افغانستان انتخاب شد.

اکنون که انتخابات ۱۳۸۸ ریاست جمهوری پیشروست، کرزی تلاش دارد در حقیقت برای بار چهارم به ریاست جمهوری دست پیداکند و مانند رئیس جمهوری های شاهانه و دکتاتوری خورمیانه و آسیای مرکزی، حاکمیت مادام العمر داشته باشد.

اما اکنون چالش های شدیدی ادامهٔ اقتدار آقای کرزی را با مخاطره مواجه نموده است که هر روز شدید تر می شود.

نا رضایتی روز افزون مردم، همه گیرشدن فساد اداری وبی کارگی حکومت و تمایل ادارهٔ جدید امریکا برای تغییر، مهمترین چالش های آقای کرزی برای ادامه اقتدار می باشد.

برای آقای کرزی تغییرنظام در امریکا و چرخش در سیاست افغانی آن کشور، به شانس بزرگی دانسته می شود. اوباما و معاون او جوبایدن، حکومت آقای کرزی را عامل عمده ادامهٔ بحران در افغانستان دانسته و آن را حکومت فاسد و حکومت مواد مخدر نامیده اند،

ادامه درص۳

تحلیلی از تهدید اخیر آقای کرزی

ص۲



د ملکي وګړو وژنه

نو تر کومه؟!

شفیق

د ستمبر دیو ولسمي نیټې له پیښې راهیسې څه دپاسه اوه کلونه وشو چې نړیوال ایتلافي ځواکونه د آیساف او ناټو د تړون ترنومونو لاندې دترهګرۍ! پرخلاف پرعملیاتو بوخت دي، هغه کلمه چې لاتراوسه یې تعریف ونه مونده. خو د طالب رژیم د ړنګولو او ورځخه د افغانانو د خلاصه لو په نامه راغلي دغه نړیوال ځواکونه ځرګندوي چې د دوي دښمنان د نړیوال سوداګریزې ودانۍ نړونکي د القاعده سازمان او د هغه مهال کوربانه د طالبانو غورځنګ دی. مګر داوو کلونو په دوران کې د نړیوالو ځواکونو د پرله پسې بمباریو او د بن د پریکړې په نتیجه کې دراغلي غیرمتجانس دولت د مخالفینو سره په جګړه کې د دوی له پالیسیو او کړنو څخه په ډاګه کیږي چې نړیوال ایتلافي ځواکونوه چې دا مهال یې مشري د ناټو په غاړه ده، ځان د هیڅ ډول نړیوالو قوانینو او پرنسیبونو پابند نه ګڼي ولې چې داوه کلنې جګړې په دوران کې د ارزګان د د هراوړ له پیښې راهیسې

پاتې پر۷مخ

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپ، کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

تأخیر در برگزاری انتخابات خلای قانونی در کشور ایجاد می کند

کمیسیون مستقل برگزاری انتخابات دریک اعلامیه یی که به روزی پنجشنبه ده دلو پخش شد اعلان نمود که برگزاری انتخابات ریاست جمهوری را تا ۲۹ اسد ۱۳۸۸ به تعویق انداخته است. بنابراین انتخابات درزمان معین آن، قبل از ماه جوزای ۱۳۸۸ که در قانون اساسی ذکر شده بر گزار نخواهد شد.

فراهم آوری زمینهٔ برگزاری انتخابات شفاف و آزاد وظیفه عمدهٔ دولت است. برگزار نشدن انتخابات در زمان معین آن، پیش از هر چیز، ناکامی دولت آقای کرزی را در یکی از وظایف مهم ملی به اثبات می رساند. با این ناکامی، دولت نمی تواند اتهامات ناکار آمدی و ناکامی را از خویش رد کند.

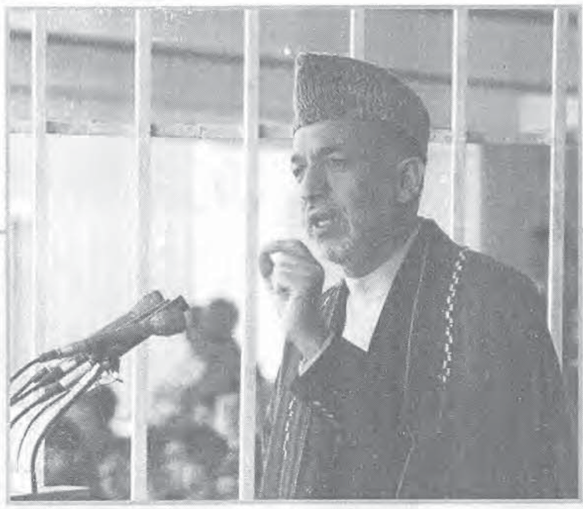
تاخیر در برگزاری انتخابات و استدلال کمیسیون مبنی برقانونی بودن این تأخیر، ابهام و تناقض در قانون اساسی را آشکار ساخت. موافقان ومخالفان این تأخیر که در مواضع متناقض قراردارند، بر مواد قانون اساسی استناد می کنند.

مخالفان می گویند این تاخیر غیر قانونی بوده، بر اساس ماده شصت و یکم پس از جوزای ۱۳۸۸، حکومت آقای کرزی هیچ نوع مشروعیت قانونی ندارد بر عکس موافقان، تاخیر در برگزاری انتخابات را بر اساس ماده یکصد و چهل و سوم قانون اساسی حق کمیسیون می دانند. چنین تناقضات و یا برداشت های متناقض از قانون اساسی که باید مواد آن، قاطع و روشن باشد، مسایل ومصالح کلان ملی را با سر درگمی و ابهام روبرو نموده است، این تناقض نیاز به باز نگری در این قانون را بیش از هر زمان دیگر برجسته می سازد.

براساس مادهٔ شصت و یکم قانون اساسی دورهٔ ریاست جمهوری آقای کرزی در اول جوزای ۱۳۸۸ پایان می یابد، از دید صاحب نظران ادامهٔ حکومت آقای کرزی پس از اول جوزای ۱۳۸۸، غیر مشروع بوده خلای قانونی در کشور ایجاد می شود. لازم است برای پرکردن این خلا چارهٔ قانونی سنجیده شود.

در صورت ادامهٔ حکومت آقای کرزی پس از اول جوزای ۱۳۸۸، وضع بی ثبات کشور بیشتر تنش آلود خواهد شد، مخالفان مسلح دولت دستاویز دیگری برای مخالفت با حکومت خواهند یافت و جنگ های خویش را به عنوان جنگ بر ضد یک حکومت غیر قانونی توجیه خواهند کرد. همچنان مخالفان سیاسی حکومت نیز با ادعای غیر قانونی بودن حکومت، برمخالفت خویش خواهند افزود و در مجموع نارضایتی های گسترده دربرابر حکومت آقای کرزی ایجاد خواهد شد.

تأخیر در انتخابات در حالت اضطرار برای دو ماه، از صلاحیت های رئیس جمهور است اما حکومت هیچ دلیلی برای اثبات حالت اضطرار ندارد. سخنگویان حکومت بارها گفته اند صرفا در چند ولسوالی محدود مشکل امنیتی وجود دارد حکومت نمی تواند به مادهٔ یکصد و چهل و سوم قانون اساسی که حالت اضطرار را پیش بینی نموده، استناد کند، بنا بر این باید لویه جرگه فرا خوانده شود تا در مورد سرنوشت حکومت و کشور چاره اندیشی شود و به منظور انجام انتخابات آزاد و شفاف بهتر است، یک ادارهٔ موقت جای حکومت آقای کرزی را بگیرد که رئیس و اعضای عمدهٔ آن حق نامزدی درانتخابات ۱۳۸۸ را نداشته باشند.



تحلیلی از تهدید اخیر آقای کرزی

وحید مژده

از مدتی به اینطرف رئیس جمهور کرزی به انتقادات تند از عملکرد جامعهء جهانی در افغانستان پرداخته است. ظاهرا موضوع کشتار غیرنظامیان در عملیات نیروهای خارجی، بیشترین خشم و غضب حامد کرزی را برانگیخته است.

مسایلی که حامد کرزی از آن به انتقاد و مذمت برخاسته کاملا درست، اما از نظر زمان مطرح شدن مواجه به اشکال است. کشتار مردمان غیرنظامی و بازرسی های بی مورد منازل مردم و دستگیری هموطنان به ظن همکاری با طالبان مسئلهء جدیدی نیست، اما اینکه رئیس جمهور پس از هفت سال به اهمیت این مسایل پی برده اند سوال برانگیز و در خور توجه است.

آقای کرزی تهدید نموده بود که در صورتیکه نیروهای خارجی در استراتژی خود تغییر وارد نکنند و همچنان به کشتار غیر نظامیان ادامه دهند، او ناچار خواهد بود، لویه جرگه ای را فرا خواند تا در مورد سرنوشت نیروهای خارجی تصمیم بگیرند. پس از این تهدید، سلسلهٔ کشتار غیرنظامیان ادامه یافت اما تهدید کرزی عملی نشد.

از جانب دیگر حکومت آقای کرزی نیز با انتقادات تندی از جانب مقامات خارجی و رسانه های غربی مواجه است. وزیر خارجهء جدید امریکا خانم کلنتن دولت موجود در افغانستان را دولت مواد مخدر خواند و گفته می شود که آقای جوبایدن معاون رئیس جمهور امریکا و همچنان نمایندهء خاص اوباما در افغانستان و پاکستان آقای هالبروک نیز رابطهء سردی با کرزی دارند. این در حالیست که مطبوعات غربی هم با تحلیل های منفی از شیوهء حکومت داری کرزی در هفت سال گذشته، موجبات خشم آقای کرزی را فراهم کرده اند.

آقای کرزی هم گزینه هائی در اختیار دارد. او در محفل توزیع شهادتنامه های نخستین دور اکادمی نظامی کشور طی سخنانی تهدید کرد که اگر امریکا طیارات و جنگ افزار های سنگین در اختیار اردوی افغانستان نگذارد، ما این گونه تجهیزات را از کشور های دیگر بدست خواهیم آورد.

گفته می شود که این سخنان کرزی پس از دیدار وی با فرستادهء مدویدوف در جریان آخرین سفرش به دهلی جدید صورت گرفته است. قبل از آن، آقای کرزی نامه ای به رئیس جمهور روسیه فرستاده و در آن خواستار کمک نظامی از روسیه شده بود. به نظر می رسد که در پی وقایع ممبایی، هندوستان هم به این نتیجه رسیده است که حضور نظامیان امریکائی در منطقه بجای اینکه به تامین ثبات کمک کند برعکس انگیزه های بیشتری برای گسترش دامنهء بنیادگرائی و خشونت فراهم آورده است. این نگرانی هندوستان قابل درک است زیرا هندوستان کشوری است که بزرگترین اقلیت مسلمان در آن زندگی می کند.

تحولاتی که در امریکا بوقوع پیوست حتی قبل از انتخابات در آن کشور نیز تا حدی قابل پیشبینی بود. مردم از ادارهء غلط جمهوریخواهان در امریکا دل خوشی نداشتند و احتمال بقدرت رسیدن دیموکرات ها می رفت.

بقدرت رسیدن دیموکرات ها که بصورت سنتی نگاه شان بیشتر به مسایل داخلی امریکاست، قدرت های منطقوی را ترغیب می نماید تا به مسایل منطقه که در قدم اول روی امنیت خود آنها تاثیر گذار است توجه کنند. نزدیکی میان روسیه و ایران در مسئلهء افغانستان می تواند موجب نگرانی سعودی ها هم باشد. سفر رئیس سازمان استخبارات سعودی به کابل و این شایعه که عربستان سعودی از یک افغان نزدیک به دربار آنکشور برای کاندید شدن در انتخابات حمایت خواهد کرد، همه نشان دهندهء رقابت هائی است که در افغانستان در حال شکل گرفتن است.

آقای کرزی و ادارهء تحت فرمانش در افغانستان از بسدو [illegible] حزب جمهوریخواه

> **اکنون جناب کرزی در همان موقعیتی قرار گرفته است که بعضی از زمامداران قبل از وی در مقاطع خاص از زمان به آن مواجه شدند اما فرصتی برای جبران مافات باقی نمانده بود. از قول آقای کرزی نقل شده است که اخیراً در مجلسی با حضور بعضی از یاران نزدیک فرمودند که من دیگر غلامی نمی کنم. چقدر این حرف زیبا بود اگر هفت سال قبل به این شکل بیان می شد**

هستند و بنابراین حداقل تغییری که لااقل از نظر راهکاری در افغانستان توقع آن از دیموکرات ها می رود، عدم حمایت از حکومت موجود در افغانستان است. تاریخ افغانستان حکومتی را که تا این حد مورد توجه و عنایت بین المللی باشد، بیاد ندارد و در عین حال حکومتی اینهمه ناکارآمد و فاسد نیز در افغانستان بی سابقه بوده است.

مجددی صاحب وقتی این وضع را با دوران حکومت خود مقایسه می کند حق دارد اگر بگوید که مرا نگذاشتند وگرنه بهتر از این دور به مردم خدمت می کردم. واقعا اگر حکومت ضعیف جناب مجددی هم اینهمه مورد عنایت جامعهء جهانی می بود، از کرزی موفق تر بود. بیاد داریم که در آن زمان یک قطعه چک به مبنغ ده میلیون دالر که از طرف نوازشریف صدراعظم وقت پاکستان به مجددی داده شد تا چه حد توجه برانگیخت و وعدهء ایران برای کمک پنجاه میلیون دالر کمک اقتصادی که تحقق هم نیافت چقدر موجب امید در بهبود وضع اقتصادی شد.

مشخص نیست که چرا جناب آقای کرزی اکنون متوجه رفتار غلط خارجیان در افغانستان شده و مردم از خود می پرسند که زمانی که قرار داد های استراتژیک میان افغانستان و خارجیان به امضا می رسید چرا به این مسئلهء نهایت مهم یعنی خودسری نیروهای خارجی توجهی نشد. چرا جناب آقای کرزی این قرارداد ها را به پارلمان نبرد تا لااقل امروز می توانست بگوید که دیگران هم در این اشتباه دخیل بوده اند. در آن زمان آقای کرزی بیشتر به این فکر بود که قرارداد طویل المدت استراتژیک هرچه زود تر و بدون درنگ به جر در آید تا حمایت خارجیان از حکومت او ادامه [illegible] کرزی پس از انتخابات ریاست جمهوری در حدود چهار سال قبل این سیاست را در پیش می گرفت امروز می توانست بعنوان یک شخصیت با وجهه، مطرح باشد.

اکنون جناب کرزی در همان موقعیتی قرار گرفته است که بعضی از زمامداران قبل از وی در مقاطع خاص از زمان به آن مواجه شدند اما فرصتی برای جبران مافات باقی نمانده بود. از قول آقای کرزی نقل شده است که اخیراً در مجلسی با حضور بعضی از یاران نزدیک فرمودند که من دیگر غلامی نمی کنم. چقدر این حرف زیبا بود اگر هفت سال قبل به این شکل بیان می شد: من هیچگاه غلامی نمی کنم و این سخن را در عمل هم به اثبات می رساندند.

عجیب است که اکنون که اشتباهات بزرگی در این کشور در طول هفت سال گذشته بوقوع پیوسته، خارجیان تلاش دارند تا بار همه مسئولیت را بدوش حکومتی بیندازند که در تحت فرمان خود آنان عمل کرده است. حقیقت امر اینست که خارجیان بیشتر از حکومت افغانستان یعنی حکومتی که حتی در مورد تعیین یک قوماندان امنیه هم ناچار بوده تا با سفرای کشور های (متحابه!) مشورت نماید در خرابی وضع مقصر اند. خارجیان گماشته های خود را از غرب آوردند و در حالیکه این قماش افراد اصلا شناختی از شرایط افغانستان نداشتند، آنها را در مقام های مهم بکار گماشتند و از آنان در مورد افغانستان مشوره گرفتند. همه می دانند که اگر این افراد از حمایت کشور های خاص برخوردار نمی بودند و یا واضح تر بگوئیم جاسوس نمی بودند، هرگز به این مقامات نمی رسیدند. حتی در یک مورد سازمان ملل متحد نیز از نفوذ سازمان های استخباراتی مختلف در ارکان دولت افغانستان سخن گفت. **ادامه درص ۶**



ادامهٔ اقتدار

مهم ترین استراتیژی آقای کرزی

رهبران حزب دموکرات که در مبارزات انتخاباتی از حکومت آقای کرزی به عنوان حکومت فاسد یاد می کردند، در آن زمان سخنگویان حکومت کرزی، آن سخنان را مصرف داخلی و شعار های مبارزات انتخاباتی می دانستند و از جانب دیگر، پیروزی اوباما را پیش بینی نمی کردند، اما بالاخره اوباما پیروز شد و تکرار انتقادات زمان مبارزات انتخاباتی نشان داد که و ایجاد تغییر در افغانستان سیاست اداره دموکرات های امریکا می باشد.

بقیه از صفحهٔ اول

تمام مقامات امریکایی برضرورت تغییر درافغانستان تاکید کرده اند. برخی مقامات اروپایی مانند یاپ دهوپ شیفر سرمنشی ناتو نیز، چنین موضعی در برابر آقای کرزی اتخاذکرده اند.

آقای کرزی درباره علت اصلی نارضایتی شهروندان افغانستان وجامعه جهانی که عبارت از ضعف و فساد حکومت است، با اعلان تشکیل کمیسیون ها و طرح های واکنش نشان می دهد، اما اقدام عملی که بتواند این مشکل را حل کند دیده نشده است. در این میان جلب رضایت خارجیان و کسب حمایت داخلی در انتخابات سال ۱۳۸۸، برنامه اصلی حکومت آقای کرزی بوده، دراین راستا اقدامات گسترده را روی دست گرفته است.

اقدامات و تدابیر آقای کرزی را می توان به دو دسته تقسیم کرد، اقداماتی که برای جلب حمایت خارجیان صورت می گیرد و اقداماتی که برای جلب حمایت رای دهندگان انجام می یابد.

اقدامات آقای کرزی برای جلب حمایت خارجیان

یکی از رویکردهای اصلی اقدامات آقای کرزی در عرصه خارجی مبتنی بر این است که سعی دارد القا کند بهترین گزینه برای رهبری افغانستان است و دیگر تمام شخصیت ها و گروه های سیاسی افغانستان یا جنگ سالار و ضد حقوق بشر اند، یا متعلق به اقلیت های قومی غیرپشتون اند که شایستگی رهبری افغانستان را ندارند. اما شخصیت های که اهلیت این کار را دارند شامل تیم وی می باشند.

تحت فشار قراردادن امریکا وناتو

آقای کرزی انتقادات نسبتا تندی در برابر نیروهای امریکا و ناتو عنوان می کند، منظور از چنین انتقادات این است که خارجیان آماده سازش با آقای کرزی شوند و از وی در انتخابات آینده ریاست جمهوری حمایت کنند.

تلفات غیرنظامیان و بمباران مناطق مسکونی یکی از ضعف ها . و اشتباهات مهم نیروهای امریکایی و ناتوست که رئیس جمهوری با مهارت از آن استفاده می کند. آقای کرزی تقریبا به صورت ناگهانی از چند ماه به این سو به سبب کشتار غیرنظامیان، انتقادات شدیدی از نیروهای خارجی می کند، این انتقادات برسر بمباران هواپیماهای امریکایی در شیندند آغاز گردید ودر کشتار غیرنظامیان درخوست باشدت مطرح شد، در سخنرانی که آقای کرزی درمراسم فاتحه خوانی در خوست داشت، نیروهای خارجی را اخطار داد که اگر آن نیروها از بمباران و کشتار غیر نظامیان دست بر ندارند جرگه یی را فراخواهد خواند و آینده حضور این نیروها را در آن جرگه مطرح خواهد کرد. این تهدید در اظهارات آقای کرزی به مناسبت بمباران تگاب نیز به تاریخ ۸ دلو تکرار گردید. و از طرح یازده ماده یی به منظور جلو گیری از تلفات ملی خبرداد.

تشدید جنگ وفعالیت های مسلحانه گروه طالبان و ضعف اردوی افغانستان هم از نظر دولت یکی از ضعف های خارجیان است. آقای کرزی به تاریخ ۵ دلو در سخنرانی خویش در مراسم فراغت محصلان اکادمی نظامی اردوی افغانستان با استفاده از این ضعف گفت در صورتی که کشورهای غربی برای او طیاره و تانک ندهند از کشورهای دیگر این جنگ افزار ها را تهیه خواهد کرد.

هدف این سخنان آقای کرزی نامه رئیس جمهور روسیه بوده است که در پاسخ به نامهٔ وی مبنی بر تقویت اردوی ملی و ارسال جنگ افزار فرستاده و درآن گویا برای تقویت اردوی ملی افغانستان اظهار آمادگی کرده است. آقای کرزی در این سخنرانی گفت او دیگر بی طاقت شده است، یعنی از امتناع خارجیان برای تقویت اردوی ملی افغانستان صبرش را از دست داده است. و اکنون می خواهد حمایت روسیه را بدست آورد.

تعویق انتخابات

تعویق انتخابات یکی از تکتیک های آقای کرزی برای بدست آوردن وقت و کسب رضایت امریکا است. رئیس جمهوری امید وار است، سرانجام خواهد توانست نظردولت اوباما را که اکنون با حکومت وی سرناسازگاری گرفته است تغییر داده و او را وادار نماید تا از وی در انتخابات آینده حمایت کند.

کمیسیون مستقل برگزاری انتخابات که مانند سایر ادارات به ظاهر مستقل دولت، کاملا گوش به فرمان رئیس جمهور است، پس از بهانه تراشی و جو سازی های فراوان به تاریخ ۱۰ دلو اعلان کرد که به علت نبود امنیت، وضعیت نامساعد جوی و نداشتن هزینه، امکان برگزاری انتخابات در جوزای سال ۱۳۸۸ وجود ندارد وتاریخ برگزاری آن را تا ۲۹ سنبله سال آینده به تاخیر انداخت.

اکنون شاید آقای کرزی نفسی راحت بکشد و تلاش های خویش را برای کسب رضایت دولت اوباما تشدید نماید.

کسب حمایت کشورهای همسایه

تاثیر گذاری کشورهای همسایه در بحران افغانستان برای همه روشن است، تصمیم گیری صادقانه و جدی این کشورها می توانند تاثیر بزرگی برای برقراری امنیت و پایان شورش های مسلحانه در افغانستان داشته باشد، همچنان به علت محاط بودن افغانستان به خشکه، امریکا و ناتو جهت ادامه حضورشان درافغانستان، شدیدا به همکاری کشورهای همسایه مخصوصا پاکستان نیازمند اند، با درک این اهمیت، آقای کرزی سعی در بدست آوردن اعتماد و دستیابی به حمایت کشورهای همسایه مانندپاکستان، هند و ایران و کشورهای دیگر مانند روسیه و عربستان سعودی برآمده است.

استفاده از قدرت دولتی:

آقای کرزی در تمام نهادها و اداراتی که به انتخابات رابطه دارند و در نتایج آن می توانند تأثیر بگذارند، افراد تیم خویش و هواداران نزدیکش را جابجا نموده است.

یک سال پیش آقای کرزی اداره یی به نام ادارهٔ مستقل ارگان های محلی تأسیس کرد و صلاحیت تعیین والیان، ولسوالان و سایر را به آن ها واگذار نمود. در آن زمان اکثر نمایندگان در شورای ملی این تغییر در تشکیلات دولت را غیر قانونی خواندند. رئیس جمهور بودجهٔ اضافی برای این اداره منظور کرد، برخی ها اظهار نگرانی کردند که این بودجه به نفع آقای کرزی در انتخابات استفاده خواهد شد.

همچنان آقای کرزی هواداران خویش را در رأس کمیسیون مستقل انتخابات جابجا نمود. این کمیسیون بالآخره تمایل آقای کرزی مبنی بر تعویق انتخابات را به تاریخ ۱۰ دلو عملی ساخت.

رسانه های دولتی مانند تلویزیون ملی که در تمام ولایات دارای فروعات می باشد، نیز در اختیار دولت آقای کرزی بوده و به نفع این دولت تبلیغات می کند، سایر نامزدان به این رسانه ها که از سرمایه های ملی تمویل می شوند، دسترسی ندارند.

تطمیع برخی از شخصیت ها و گروه ها از طریق دادن پول و مقام های دولتی جهت جلب حمایت آن ها از آقای کرزی، استفادهٔ دیگر حکومت از قدرت و سرمایه های ملی به نفع نامزدی آقای کرزی می باشد.

تحکیم جایگاه آقای کرزی در رهبری جامعهٔ پشتون افغانستان

آقای کرزی امید چندانی برای کسب حمایت تمام گروه های قومی افغانستان ندارد. وی تلاش های خود را برای تقویت موضع خویش جهت رهبری جامعهٔ پشتون افغانستان متمرکز نموده است.

سیاست مذاکره با طالبان و حزب اسلامی و دعوت از آنان برای مصالحه، به همین منظور صورت گرفته است، کرزی فکر می کند با مصالحه با طالبان و حزب اسلامی حکمتیار، می تواند حمایت بخشی مهمی از جنوب و شرق افغانستان را که پایگاه های هر دو گروه مذکور، در آن مناطق قرار دارد بدست خواهد آورد.

تغییرات در کابینه که دوماه پیش صورت گرفت یکی از اقدامات رئیس جمهور در این راستا می باشد، در نتیجه این تغییرات افراد مهم تیم حاکم، جا به جا شدند و آقای اتمر یکی از شخصیت های مؤثر این تیم در پست وزارت داخله مقرر شد.

دلجوی و ارضای آقای احدی رهبر حزب افغان ملت که با داشتن گرایش ناسونالیزم قومی شهرت یافته است و ابقای وی در پست وزارت مالیه نیز یکی، از اقدامات کرزی برای جلب حمایت جامعه پشتون ارزیابی می شود.

اقدامات آقای کرزی دراین زمینه این شایعه را تقویت نموده است که وی با پیروی از رویکرد قبیله گرایی، موضع بیطرفانه در رابطه با ملیت های افغانستان ندارد.

جلب حمایت گروه جهادی و ملی:

جلب حمایت گروه های جهادی و ملی سیاستی است که آقای کرزی دراین اواخر به آن دست زده است.

اخیرا در چندین جلسه رهبران و فعالین گروه های جهادی را فراخوانده و با تشریح مش گویا استقلال طلبانهٔ خویش خواهان حمایت آن ها گردیده است.

احتمالا کرزی برای رهبران جهادی گفته است که سیاست حذف آن ها برنامه دولت امریکا و دیگر کشورهای خارجی بود که در چند سال گذشته بر وی دیکته می شد و اکنون به این اشتباهات پی برده می خواهد جلو مداخلات خارجیان را بگیرد. بناء آنها باید از وی حمایت کنند.

اما آیا برنامه ها و اقدامات کرزی جهت ادامه اقتدار به موفقیت خواهد انجامید؟

رهبران حزب دموکرات که در مبارزات انتخاباتی از حکومت آقای کرزی به عنوان حکومت فاسد یاد می کردند، در آن زمان سخنگویان حکومت کرزی، آن سخنان را مصرف داخلی و شعار های مبارزات انتخاباتی می دانستند و از جانب دیگر، پیروزی اوباما را پیش بینی نمی کردند، اما بالاخره اوباما پیروز شد و تکرار انتقادات زمان مبارزات انتخاباتی نشان داد که و ایجاد تغییر در افغانستان سیاست اداره دموکرات های امریکا می باشد.

آقای کرزی در دولت اوباما میراث دار بوش دانسته می شود که طبق شعار دموکرات ها باید تغییر یابد و به نفع یک حکومت سالم جا خالی کند.

گفته می شود بایدن معاون اوباما در سفر اخیر به کابل، در ملاقات با کرزی انتقادات شدیدی از وی نموده و جلسه را ترک کرده است، هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه امریکا حکومت آقای کرزی را حکومت مواد مخدر خوانده، برخی ها دعوت نکردن آقای کرزی برای اشتراک در مراسم سوگند آقای اوباما و دعوت چهارتن دیگر را نمونهٔ روی گردانی امریکا از آقای کرزی می دانند. **ادامه درص۵**

رنسانس در افغانستان

و مشابهت های آن با غرب

عبدالعلی کوهی/ استاد دانشگاه کابل

اشاره

پایان قرن پانزدهم و قرن شانزده میلادی در اروپا به عهد نهضت ادبی شهرت یافته است. در همین قرون است که باب ترجمه در اروپا باز می شود، و آثار گرانسنگ یونانی؛ به ویژه فن شعر و فن خطابهٔ ارسطو به زبان های اروپایی ترجمه می شود. برای نخستین بار، این حرکت در اروپا آغاز می شود، مترجمان و دانشمندان عرصه های مختلف علوم مورد تشویق حاکمان وقت و خانواده های ثروتمند قرار می گیرند. طوری که تشویق خانواده «یدسی» به دانشمندان علوم در ایتالیا مشهور است این دوران به نام نهضت ادبی و بعد به عصر رنسانس شهرت یافته است. قرن نهم هجری را در افغانستان رنسانس شرق می خوانند و از چهره های تبارز ادبی و هنری این رنسانس جامی و بهزاد، از رجال سیاسی که این نهضت ادبی و هنری را تشویق، ترغیب و سمت می داد، شاهرخ در هرات والغ بیگ در سمرقند بود.

رنسانس؛ یعنی احیای مجدد علمی - ادبی و هنری ...که بعد از یک قرن سکوت صد ساله و تجماد علمی و ادبی دو باره به رویش و سگوفایی ادبی و هنری در افغانستان آغاز کرد. رنسانس در شرق و در غرب، شباهتهایی نزدیک به هم می رساند در شرق خرابی های مغول به همت سلاطین علمپرور تیموریان احیای مجدد می شود، در اروپا در قرن شانزدهم میلادی، دانشمندان متوجه میراث های ادبیات یونان و لاتین می شود. دراروپا به ترجمه و تحلیل متون یونان باستان پرداخته شد. آثار ارسطو قبل از همه درمرکز توجه اروپا بیان قرار گرفت. کتاب های مشهور ارسطو چون فن شعر و فن خطابه به زبان های اروپایی ترجمه گردید، به پیروزی از این دو کتاب ارسطو اروپاییان است به تقلید از آنها زدند. از همین رو است که نظریه و تقلید و محاکات از ادبیات قدما. در زمینهٔ تکامل ادبیات در اروپا آغاز شد. کتاب فن شعر و خطابه ارسطو به حدی مورد استقبال ادبیات شناسان غرب قرار گرفت که آنرا انجیل مقدس کلاسیک ها خواندند. شعر تمثیلی و دو شاخهٔ مهم آن(تراژیدی و کمیدی) از طریق ترجمه راه خود را از ادبیات یونان به اروپا باز کرد. رنسانس در غرب، مانند: رنسانس در شرق رنگ ادبی و هنری داشته است. طوری که در دورهٔ تیموری ها، یک نوع بازگشت به سوی آثار قدما به وجود آمد. دراین دوره به ادبیات دورهٔ غزنویان به سلجوقیان و غوری ها توجه بیشتر صورت گرفت. شاعران و نویسندگان دورهٔ تیموری از سبک و شیوه پرداخت شاعران و نویسندگان این عهد پیروی نمودند؛ اما در اساس اروپا طوریکه دیده میشود بازگشت به آثار گذشتگان کلاسیک روم و یونان میباشد.

همان طوریکه در شرق، خانواده های مغولی و تیموریان هرات، سمرقند از قبیل: شاهرخ، الغ بیگ، سلطان حسین بایقراء، بایسغر وغیره به تشویق و مساعدت اهل علم و ادب پرداختند، دراروپا نیز خانواده ها و اشخاص دیده میشود که به حمایه و تشویق دانشمندان، شاعران، نویسندگان، اهل فن و ادب همت گماشتند.در دورهٔ تیموریان هرات، یک شخصیت عملی و ادبی درچند عرصه مهم علمی و ادبی قهرمان میدان بود. به رنگ نمونه جامی همانسان که شاعر و نویسنده است. همچنان داستان سرا، غزل سرا عالم نحو عربی، عالم فقه اسلامی، عالم به امور علم کلام، مؤرخ ادبیات و متصوف نیز بود. طوریکه در هریک از این رشته ها، آثار مغتنمی از وی باقیمانده است. هچنان بهزاد نه تنها نقاش، رسام و خطاط است، بلکه تذهیب کار میناتوریست نیز بوده است. در اروپا همچنان یک دانشمند به چندین رشته در این دوره مشغول بوده است؛ مانند! منجم، فزیکدان، رسام، شاعر و نویسنده یک نوع مشابهت زمانی بین رنسانس در شرق؛ یعنی افغانستان و اروپا نیز وجود دارد. طوریکه هردو در یک دوره به وجود آمده است. و دلایلی چندی درایجاد این مشابهت وجود داشته است، مانند! وجود تجارت بین شرق و غرب، جهانگردی سیاحانی؛ چون: مارکوپولو فتح قسطنطنیه که زمینه مهاجرت برخی از دانشمندان، مانند مولانا جلال الدین محمد بلخی را مساعد ساخته بود. در این دوره یک روح عمومی سراسر شرق و غرب را فرا گرفته بود. در دورهٔ حکومت سلطان حسین بایقراء مدنیت بزرگی در هرات اساس گذاشته شد که در منطقه کم نظیر بود. در این دوره است که کتاب مجالس النفایس شیرنوایی از چغتانی به زبان فارسی دری به وسیله جامی ترجمه گردید. دیوان نوای چاپ شد، شاعران و نویسندگان زیادی عرض وجود کردند. شهزادگان و امیران تیموری همه در افغانستان شعر شناس بودند و نیز خود شعر میگفتند. سلطان حسین بایقراء با جامی رقابت میکرد. بایسنغر خطاط و شاعر بود. در بار هرات به کانون فعالیت های عملی، ادبی و فرهنگی تبدیل شده بود.

طوریکه در اروپا از مرکز فلورانس از بلاد ایتالیا رنسانس به وجود آمد. در شرق نیز از مرکز هرات از بلاد خراسان نیز رنسانس با احیاء و تجدید آثار ادبی و هنری به شگوفایی رسید. در همین دوره است که محمد بن خاوندشاهرودی معروف به خوندمیر در تاریخ مولانا حسین واعظ کاشفی، عالم و نویسنده، همچنان جامی، بنایی و پسرش مهندس بنایی روضه مبارک در مزار شریف میباشد. هیچ رشته یی از هنرها به اندازه هنرهای زیبا در این دوره پشرفت نه کرده است. آثار نقاشی، معماری، کاشی سازی، تجلید که تذهیب و خطاطی به کمال رسید. فن میناتوری رشد زیاد نمود. گفته میشود که بایسنغر در هرات مجاوز از چهل نفر عالم خوشنویس، صحاف و نقاش را به دور خود جمع نمود، تابرای کتابخانه او کتاب های نفیس تهیه نماید. به امر سلطان حسین بایقراء بنای روضه مبارک حضرت شاه ولایتمآب در مزارشریف تعمیر و کاشی کاری گردید، که بزرگترین نمونه هنری آن دوره بشمار میرود. مصلا های هرات و کاشی کاریهای آن، مسجد خواجه محمد پارسا در بلخ، نگارستان هرات بهترین نمونه های آثار هنری ومیناتور در همین دوره بوجود آمده است. سبک بهزاد در همین دوره در هرات بمیان آمد و این فعالیت های آن، تاهم اکنون ادامه دارد.

دوره تیموریان هرات یکی از دوره های طلایی در زمینه های علمی، ادبی و هنری در شرق است. انتشار علم و ادب در قشر خاص منحصر نبود؛ بلکه میان همه اقشار پراگنده بود، از شاعران گذشته بیشتر به فردوسی، نظامی، امیرمعزی، ناصرخسرو بلخی، مولوی سعدی، خاقانی، ظهیر فاریابی و انوری و از مهاجران به سلمان ساوجی، حافظ، شیخ کمال خجندی و امثال آنها نظر داشتند و آثار شان مورد تقلید قرارمیگرفت. امیرعلی شیرنوایی وزیر دانشمند قرن نهم میآمدند. در بار سلطان حسین بایقراء بروی همه اقوام باز بود آثاریکه در این دوره به تشویق امیر علی شیرنوایی به وجود آمده است، در تاریخ ادبیات افغانستان کم نظیر میباشد. نوایی به زبانهای فارسی دری و چغتایی شعر میسرود و از حاجی تعظیم به عمل میآورد. دراین دوره است که به هنر تاریخ نگاری توجه مبذول گردید. مهمترین کتاب تاریخی این دوره در تاریخ ادبیات افغانستان، تاریخ جهانگشای جوینی هروی است که دراین وقت نوشته میشود. طبقات ناصری، منهاج سراج جوزجانی، تاریخ هرات معین الدین اسفزاری، زبده التواریخ، حافظ ابرو از اهل هرات بود، هچمانن روضه الصنای میرخوند بلخی و بعد حبیب شیر خوندمیرو در این دوره تألیف وچاپ شده است.همچنان کتب زیاد در زمینه های تاریخ ادبیات، علم شعر وشرح حال شاعران و نویسندگان تالیف گردیده است. به رنگ نمونه میتوان از این ها نام برد:

لباب الالباب و جوامع الحکایات عوفی، تذکره دولت شاه سمرقندی، المعجم فی معاییر اشعار العجم قیس رازی و ... نام برد.

دوره تیموریان هرات یکی از دوره های طلایی در زمینه های علمی، ادبی و هنری در شرق است. انتشار علم و ادب در قشر خاص منحصر نبود؛ بلکه میان همه اقشار پراگنده بود، از شاعران گذشته بیشتر به فردوسی، نظامی، امیرمعزی، ناصرخسرو بلخی، مولوی سعدی، خاقانی، ظهیر فاریابی و انوری و از مهاجران به سلمان ساوجی، حافظ، شیخ کمال خجندی و امثال آنها نظر داشتند و آثار شان مورد تقلید قرارمیگرفت. امیرعلی شیرنوایی وزیر دانشمند قرن نهم میآمدند. در بار سلطان حسین بایقراء بروی همه اقوام باز بود آثاریکه در این دوره به تشویق امیر علی شیرنوایی به وجود آمده است، در تاریخ ادبیات افغانستان کم نظیر میباشد

بازگشت

محمدکاظم کاظمی

غروب در نفس گرم جاده خواهم رفت
پیاده آمده‌بودم، پیاده خواهم رفت
طلسم غربتم امشب شکسته خواهدشد
و سفره‌یی که تهی‌بود، بسته خواهدشد
و در حوالی شبهای عید، همسایه!
صدای گریه نخواهی شنید، همسایه!
همان غریبه که قلک نداشت، خواهدرفت
و کودکی که عروسک نداشت، خواهدرفت

***

منم تمام افق را به رنج گردیده،
منم که هر که مرا دیده، در گذر دیده
منم که نانی اگر داشتم، از آجر بود
و سفره‌ام - که نبود - از گرسنگی پر بود
به هرچه آینه، تصویری از شکست من است
به سنگ‌سنگ بناها، نشان دست من است
اگر به لطف و اگر قهر، می‌شناسندم
تمام مردم این شهر، می‌شناسندم
من ایستادم، اگر پشت آسمان خم شد
نماز خواندم، اگر دهر ابن‌ملجم شد

***

طلسم غربتم امشب شکسته خواهدشد
وسفره‌ام که تهی بود، بسته خواهد شد
غروب در نفس گرم جاده خواهم‌رفت
پیاده آمده‌بودم، پیاده خواهم‌رفت

***

چگونه بازنگردم، که سنگرم آنجاست
چگونه؟ آه، مزار برادرم آنجاست
چگونه باز نگردم که مسجد و محراب
و تیغ، منتظر بوسه بر سرم آنجاست

اقامه بود و اذان بود آنچه اینجا بود
قیام‌بستن و الله اکبرم آنجاست
شکسته‌بالی‌ام اینجا شکست طاقت نیست
کرانه‌یی که در آن خوب می‌پرم، آنجاست
مگیر خرده که یک پا و یک عصا دارم
مگیر خرده، که آن پای دیگرم آنجاست

***

شکسته می‌گذرم امشب از کنار شما
و شرمسارم از الطاف بی‌شمار شما
من از سکوت شب سردتان خبر دارم
شهید داده‌ام، از دردتان خبر دارم
تو هم به‌سان من از یک ستاره سر دیدی
پدر ندیدی و خاکستر پدر دیدی
تویی که کوچهٔ غربت سپرده‌یی با من
و نعش سوخته بر شانه برده یی با من
تو زخم دیدی اگر تازیانه من خوردم
تو سنگ خوردی اگر آب و دانه من خوردم

***

اگرچه مزرع ما دانه‌های جو هم داشت
و چند بتهٔ مستوجب درو هم داشت
اگرچه تلخ شد آرامش همیشهٔ‌تان
اگرچه کودک من سنگ زد به شیشهٔ تان
اگرچه متهم جرم مستند بودم
اگرچه لایق سنگینی لحد بودم
دم سفر مپسندید ناامید مرا
ولو دروغ، عزیزان! بحل کنید مرا
تمام آنچه ندارم، نهاده خواهم‌رفت
پیاده آمده‌بودم، پیاده خواهم‌رفت
به این امام قسم، چیز دیگری نبرم
به‌جز غبار حرم، چیز دیگری نبرم
خدا زیاد کند اجر دین و دنیاتان
و مستجاب شود باقی دعاهاتان
همیشه قلک فرزندهایتان پر باد
و نان دشمنتان - هر که هست - آجر باد

غزه بعد از جنگ

و توطئهٔ کنار زدن رهبری مقاومت

سیدعنایت الله شاداب استاد دانشگاه کابل



سنت های تاریخی گویای این حقیقت اند که هرگاه در میان رهبری های سیاسی و توده ها، فاصله ایجاد شود، توده ها که خاستگاه مشروعیت رهبری ها می باشند، از طریق حرکت های اعتراض گونه خویش، در راستای اصلاح و یا تعویض آن ها، طوفان اراده های انکارگرایانه خویش را به نمایش گذاشته و مقوله های"اصلاح" و یا "انقلاب" را عنوان می کنند.

در تاریخ نزدیک جهان عرب و خاورمیانه از قیام افسران آزاد در ۱۹۵۲ گرفته تا خیزش های مردمی در پیوند به جنگ غزه و اسرائیل، حرکت ها و قیام های زیادی صورت پذیرفت که هرکدام آماج سرکوب زعامت ها قرار گرفته و صحنه را ترک گفتند، قیام های که بنا به عدم همخوانی منظومه های فکری شان با منظومه فکری توده ها و ملت های خود، در طاق فراموش خانه های تاریخ قرار گرفتند.

قیام غزه برهبری حماس در معیت با سایر گروه های فلسطینی مدافع عزت وسرفرازی سرزمین قدس، در واقعیت خود- افزون بر مقاومت در برابر جنگ افروزی های اسرائیل- چالشی بود در برابر آندسته از رهبری های که با محرومیت از پشتیبانی مردمی، بقای خود را در گرو معامله با دشمنان استقلالیت و سرکوبگر نیروهای برخاسته از متن مردمی، می دانند.

این قیام برعکس سایر قیام های مؤید از جهات بیرونی، به اتکای نیروهای مردمی خویش، در برابر زورگویی های اسرائیل بعد از پایان یافتن دوران "معاهده آرامش" بپا خاست و حماسه آفرید وبه شهادت مطبوعات جهان و غرب، سرفراز و کامیاب به در آمدند.

در این مقاومت، اسرائیل بحیث یک چهره جنگ افروز دست به کشتار اهالی بی دفاع غزه زد که برطبق آمارهای نشر شده بیش از پنجاه در صد قربانیان را اطفال وزنان تشکیل می دهند.

اسرائیل از ارتکاب این گونه جنایات جنگی، در اذهان جهان آزاد و وجدان های بیدار چهره یک حکومت تروریستی را به خود گرفته و طرح محاکمه دست اندرکاران این جنایات بحیث مجرمان جنگی، در اذهان جهانیان و نهادهای دفاع از حقوق بشر بر زبان ها افتید.

شکست اسرائیل در جنگ بیست وسه روزه در برابر مقاومت غزه، همه برنامه های خاورمیانه یی قدرت های غربی را نقش برآب ساخته و باعث بر آن شد که بازی جدیدی را براه اندازند، تا ازطریق آن جنایات جنگی اسرائیل را پرده پوشی کرده و چهره مجرمان جنگی در حکومت اسرائیل را از اذهان و ضمیرهای بیدار دور سازند.

مذاکرات وهمایش های نمایندگان کشورهای پیشتبان اسرائیل همراه با نمایندگان کشورهای بریده از ملت ها، در جهان عرب، که در این جا و آنجا برگذار می گردد در حقیقت به تعبیر حسنین "هیکل" دادن "چک مغفرت" است برای اسرائیل.

اداره جدید امریکا هم به گونه مستقیم ازهمین سیاست پیروی کرده و امنیت اسرائیل و جلوگیری از قاچاق سلاح عنوان کرده و برخلاف شعار تغییر، سیاست همان آش و همان کاسه را در مورد شرق میانه دنبال خواهد کرد.

افزون بر آن چه گفته شد، قدرت های غربی در پی آنند که از طریق چنین تلاش های دوست های همکار و مؤید خویش در منطقه را که مشروعیت مردمی خود را از دست داده و در حاشیه قرار گرفته اند، نجات داده و دوباره زمام ابتکار را بدست آن ها دهند..

درتائید آنچه گفته آمد، می توان به قضایای مطرح در میز مذاکرات بازیگران بازی "کنار زدن رهبری مقاومت وزیر سوال بردن مشروعیت آن" اشاره کرد.

درمیزهای مذاکرات بعد از جنگ، به جای آن که موضوع "رسیدگی به حال قربانیان جنگ تجاوز گرانه اسرائیل"، "گشودن گذرگاه ها و معبرها" و ریشه های اصلی بحران خاورمیانه و زورگویی های اسرائیل بدور از حضور آن مورد رسیدگی و مناقشه قرارگیرد، موضوعات دیگری چون "امنیت اسرائیل"، قاچاق اسلحه" و در رأس قراردادن رهبری ناکام فلسطینی" کنار رفته از رهبری مقاومت در سرزمین فلسطین، به نشخوار گرفته می شود

بدون شک اتخاذ همچو یک موضوع در برابر قضایای خاورمیانه و کانون طوفان زای آن فلسطین و سبک وزن کردن جنایات و کشتارهای دسته جمعی، ویرانی های قریه ها و سوختن کشت زارها و استفاده از سلاح غیرمجاز که همه توسط اسرائیل صورت پذیرفته است، و شرکت جستن اسرائیل در مذاکرات مربوط به این گونه قضایا، همه و همه بیانگر آن است که "جنگ تمدن ها" تا هنوزهم به حیث یک تئوری حاکم در موضعگیری های بازیگران قضایای شرق میانه بخوانش گرفته می شود و آن گفته شارون که می گفت:" تا وقتی که شمشیر آخته اسلام در غلاف انداخته نشودشرق میانه روی آرامش را نخواهد دید" (منظورش همان سرکوب مسلمانان و نابودی مفکوره جهاد از دهن مسلمانان است)

بحیث یک رهنمود درهمه موضعگیری ها کاربرد داشته و هرحرکتی در روشنای آن برنامه ریزی می شود.

اداره جدید امریکا هم به گونه مستقیم ازهمین سیاست پیروی کرده و امنیت اسرائیل و جلوگیری از قاچاق سلاح عنوان کرده و برخلاف شعار تغییر، سیاست همان آش و همان کاسه را در مورد شرق میانه دنبال خواهد کرد.

ادامهٔ اقتدار مهم ترین استراتیژی آقای کرزی ...

طولانی شدن جنگ و تلفات عساکر امریکایی، و درعین حال فساد و ناکارآمدی حکومت کرزی برای بسیاری امریکاییان جنگ افغانستان را به یک ماموریت ناکام تبدیل کرده است، آن ها حکومت کرزی را در این ناکامی مقصرمی دانند.

اخیرا رابرت گیتس گفته است امریکا به اندازه کافی، سرباز، پول و شکیبایی ندارد تا برای همیشه در افغانستان بماند.

تهدید آقای کرزی برای گرفتن طیاره و تانک از روسیه و یا چرخش به سوی شرق، شاید آن تأثیری را که آقای کرزی توقع داشته باشد بر دولت امریکا بگذارد، نداشته باشد. چون روسیه از هیچ نگاهی نمی تواند جای امریکا را بگیرد، روسیه به گل روی آقای کرزی پول وسلاح نخواهد بخشید، روسیه در هر گونه کمک و یا دادن سلاح، منافع ملی خویش را در نظر خواهد گرفت.

برخی کشورهای همسایه مانند ایران، چین و ازبکستان که اکنون با روسیه موضع مشترک دارند، به علت نارضایتی از سیاست های بوش چنین موضعی گرفته اند. در صورتی که دولت اوباما بتواند مشکلات امریکا با این کشورها را حل کند، بدون شک از همسویی با روسیه دست خواهند کشید.

سیاست جلب حمایت همسایه ها که آقای کرزی آن را روی دست دارد، شاید چندان هدف آسان برای آقای کرزی نباشد، در سال های گذشته همسایه ها، مخصوصا ایران، از نزدیکی دولت آقای کرزی با امریکا دل خوش نداشتند و او را مهره اصلی امریکا در افغانستان می دانستند. اکنون نیز به خوبی می دانند که اظهارات آقای کرزی به منظور تحکیم استقلالیت دولت افغانستان و یا مخالفت با غرب صورت نمی گیرد، بلکه صرفا برای جلب حمایت غرب وتضمین تداوم حاکمیت انجام می یابد.

آقای کرزی نباید انتظار داشته باشد که کشورهای دیگر از جمله روسیه، بر سر تداوم حاکمیت یک شخص یا یک تیم، منافع کلان ملی خویش را کنار بگذارند و بسان امپراطوری های قرون وسطا برای برتخت نشاندن شهزادگان شکست خورده، و یا اتحاد جماهیر شوروی برای حاکمیت احزاب مزدور، نیرو و جنگ افزار رایگان اعطا کنند.

شرق گرایی آقای کرزی می تواند پی آمدهای ناگواری برای افغانستان داشته باشد، تجربه نشان داده است که تغییر جهت دادن رهبران افغانستان از شرق به غرب و یا از غرب به شرق، برای خودشان وبرای مردم افغانستان فاجعه بار آورده است، دراین زمینه می توان از داوودخان و حفیظ الله امین یاد کرد که به منظور جلوگیری از چرخش آن ها به غرب، اتحاد شوروی دست به کودتا های خونین در افغانستان زد، همان کشوری که اکنون آقای کرزی می خواهد به جای امریکا از آن طیاره و تانک به دست آورد.

تکتیک های آقای کرزی به منظور جلب حمایت داخلی نیز احتمالاً نتایج دلخواه برای وی در پی نخواهد داشت. اکنون تا موفق بودن حکومت آقای کرزی مورد توافق تمام گروه های سیاسی متفاوت و متضاد می باشد.

گروه ها و اشخاص هوادار آقای کرزی در دفاع از حکومت وی با دشواری روبرو هستند و اگر کسی برای چنین کاری جرات کند، شاید اندک کسی آماده باشد آن را بپذیرد.

سیاست های ملی آقای کرزی باعث بی اعتمادی نسبت به حاکمیت در میان اقوام افغانستان شده است. وی در جلب حمایت پشتون ها نیز نتوانسته است، موفقیتی مهمی بدست آورد. طالبان که آقای کرزی برای مذاکره و سازش با آنان دلبسته بود، تمایلی برای مذاکره نشان ندادند، بازماندگان قربانیان بمباردمان نیروهای خارجی هم دلجوی ها وابراز احساسات رئیس جمهوری را جدی نمی گیرند برخی آنها آن را نمک پاشی بر روی زخم های خویش می دانند.

یکی از دشواری های کار آقای کرزی این است که چارهٔ دیگر برای اصلاح حکومتش پیشرو ندارد، در گذشته که اشخاص و گروه های دیگر در حکومت وی سهمی داشتند، بهانهٔ خوبی در اختیار او قرار داشت و می توانست گناه نابسامانی ها و بد امنی ها را به گردن به اصطلاح جنگ سالاران بیندازد. اما اکنون آقای کرزی افراد قابل اعتماد و هوادار خویش را در حکومت جابجا ساخته و دیگران را برکنار نموده است، وی به یک حالت برگشت ناپذیری رسیده و ایجاد تغییرات اساسی در حکومت دیگر در توان وی نیست.

بنا بر این دست های آقای کرزی برای اصلاحات و جلوگیری از فساد بسته است و جز شعار و ایجاد کمیسیون چارهٔ دیگر ندارد.

آقای کرزی آن طوری که ادعا می کند منافع و مصالح علیای افغانستان را در نظر دارد. باید بداند که این منافع و مصالح هیچگاه منحصراً وابسته به ادامهٔ اقتدار وی نخواهد بود.

باید زمینهٔ انتخابات شفاف و آزادانه در کشور مساعد گردد تا مردم خودشان حکومت آیندهٔ خویش را انتخاب کنند، اگر انتخابات به صورت شفاف برگزار نشود، ممکن است به بی ثباتی بیشتر کشور بینجامد و دست آوردهای نیمه تمام هشت سال گذشته یکسره نابود گردد.

آموختن زبان باشیوهٔ کودکان



نویسنده: دکتور ماروین براون **برگردان: مهدی**

اگر به صنف های آموزشی زبان در گوشه و کنار جهان نظر اندازیم، درست عکس آنرا می بینیم، گوش ها کاملا بسته است و دانش آموزان به عوض گوشهایشان، چشم هایشان را به کار می بندند. دهن هایشان باز است و هر لحظه امتحان می گذرانند، شمار اندکی از این زبان آموزان، زبان اصلی و طبیعی را فرامی گیرند

در سال ۱۹۸۴ مرکز زبان دانشگاه امریکایی در بانکوک، استفاده از یک روش جدید برای آموزش زبان Thai را آغاز کرد و آن را «روش گوش دادن» نامید، روش مذکور در چند سال اخیر به عنوان روش "رشد خودکار زبان" شناخته شده است.

براساس روش مذکور هر نوع کوشش برای گپ زدن، حتی فکر کردن در باره زبان، پیش از آن که حالت خود بخودی حرف زدن به میان بیاید، پی آمد منفی و ناگوار بجا گذاشته و بازدهی و دست آورد آموختن زبان را کاهش می دهد.

به سخن دیگر، براساس این روش، دانش آموز زبان، باید یک دوره طولانی سکوت و خاموشی را پشت سر بگذارد، در جریان " دوره خاموشی " شاگردان تنها به گوش فرا دادن تمرکز می نمایند. پس از ۶ الی ۱۲ ماه گوش کردن فشرده، آنها بطور طبیعی و خود بخودی و بدون زحمت و یا فکر کردن، سخن گفتن را آغاز می کنند.

۱- راز کودکان:

هر کس می داند زمانی که مردم به یک کشور دیگر منتقل می شوند، کودکان آنها زبان آن کشور را به طور طبیعی صحبت خواهند کرد و اما اشخاص سالمند به چنین موفقیتی دست نخواهند یافت، توضیح ساده که در این مورد وجود دارد این است که، کودکان دارایی استعداد خاصی می باشند که با بزرگ شدن آن را از دست می دهند.

آموزگاران همیشه برای کلان سالان گفته اند، زبان باید با فکر و مطالعه آموخته شود نه بصورت طبیعی.

اما آیا ما با شیوه کنونی آموزشی زبان می توانیم خوبتر بیاموزیم؟ چرا بزرگ سالان در افریقای مرکزی، زمانی که به یک کشور دارای زبان جدید منتقل می شوند، بهتر از شاگردان اصلی ما یاد می گیرند؟ آیا علتش این است که آموزگاران نخستین ما اشتباه کرده اند؟ بزرگ سالان می توانند آنچه را که کودکان انجام می دهند، انجام دهند، این فقط عادتهای بزرگ سالان است که مانع موفقیت آنها می گردد.

این اشتباه است که کودکان می توانند کارهای را انجام دهند که بزرگ سالان از انجام آن نا توان اند.

پرسشی که تا هنوز مطرح نشده این است که اگر یک سالمند برای یک سال گوش کند و حرفی نزند چه اتفاقی خواهد افتاد؟ پاسخ ما به این پرسش این است، این کاری است که هم کودکان می توانند آن را درست انجام دهند و هم بزرگ سالان، اما تنها بزرگ سالان اند که می توانند آن را با اشتباه انجام دهند.

تصور کنید که یک کودک چهار ساله و یک بزرگ سال در برابر شخصی که با زبان خارجی صحبت می کند چه واکنش نشان می دهند، کودک اکثرا در برابر گویندهٔ خارجی، تنها گوش می کند در حالیکه بزرگ سال کوشش می کند، صحبت کند. روشن شد که راز کودک این است که کوششی برای حرف زدن ندارد، بنابراین گوش فرا دادن به سخنان صحیح و درست، زبان را صحیح و درست می کند، در حالیکه گفتن سخنان نادرست زبان را تا درست خواهد کرد.

اگر بزرگ سالان در یاد گیری زبان چیزهایی را انجام دهند که کودکان آن را انجام می دهند، چه اتفاق خواهد افتاد؟ (یک سال گوش کردن و پرهیز از حرف زدن)؟

در سال ۱۹۸۴ دانشکده مرکز زبان امریکایی در بانکوک، دقیقا با کاربرد همین روش آغاز به کار کرد. دانش آموزان تنها در مدت یک سال گوش فرا می دادند و سخن نمی گفتند. در نتیجه این تجربه، بزرگ سالان به نتایجی دست یافتند که کودکان آن را بدست آوردند.

اگر بزرگ سالان برای یک سال به گفتگوی طبیعی گوش فرا دهند و حرفی نزنند، در پایان بصورت طبیعی و روان به سخن خواهند آمد.

پس می توان گفت که تفاوت میان بزرگ سالان و کودکان این نیست که بزرگ سالان توانمندی کاربرد درست این روش را از دست داده اند. بلکه تفاوت در این است که کودکان قابلیت کاربرد نادرست این روش را تا هنوز بدست نیاورده اند.

صحبت کردن با زور، توانمندی یاد گیری زبان در بزرگ سالان را از میان می برد، فکر کردن و تعمق در باره یک جمله یا ترجمه آن، دستور زبان، جانشین سازی و یا دیگر انواع فکر کردن، انسان را از صحبت کردن به شکل طبیعی باز می دارد.

صحبت کردن طبیعی، یعنی بصورت خودکار، اگر نادرست هم باشد، اثرات زیانبار ندارد، فکر کردن برای سخن گفتن زیانبار است.

علت این که کودکان زبان را سریع و بطور طبیعی صحبت می کنند این است که، آنها با شنیدن صحبت کردن را می آموزند وعلت این که بزرگ سالان بصورت طبیعی نمی توانند صحبت کنند، این است که، آنها با صحبت کردن صحبت کردن را می آموزند.

بزرگ سالان زیاد صحبت می نمایند

فورمول این است (گوش کن، حرف نزن و صبور باش) دراینجا به این نتیجه می رسیم که این تنها راز کودکان نیست، این راز هر انسانی است، کودکان این روش را خوبتر بکار می گیرند، اما بزرگ سالان نمی توانند آن را بکار گیرند.

۲- رشد خودکار زبان چگونه عمل می کند.

بسیاری از آموزگاران به دانش آموزان خود می گویند، کوشش کنید بیشتر صحبت کنید، پیش از آن که سخن بگویید، خوب فکر کنید. آنها این روش را درست می دانند، اما من می گویم که این نوع صحبت کردن و فکر کردن، درست همان چیزی است که بزرگ سالان را از خوب آموختن زبان باز می دارد.

۳- کاربرد رشد طبیعی زبان در صنف

ما اگر به کودکانی که به یک کشور دیگر منتقل می شوند، توجه کنیم می بینیم که آنها گوش می کنند، می خندند و خیره نگاه می کنند.

راز یادگیری کودکان آن است که، گوش هایشان بازو دهن هایشان بسته است وامتحان نمی دهند. آنها با این روش در طی دو سال به زبان بیگانه نزدیک می شوند.

اگر به صنف های آموزشی زبان در گوشه و کنار جهان نظر اندازیم، درست عکس آنرا می بینیم، گوش ها کاملا بسته است و دانش آموزان به عوض گوشهایشان، چشم هایشان را به کار می بندند. دهن هایشان باز است و هر لحظه امتحان می گذرانند، شمار اندکی از این زبان آموزان، زبان اصلی و طبیعی را فرامی گیرند.

تحلیلی از تهدید آقای کرزی ...

درست است که دولت افغانستان در ضعف مبارزه علیه فساد اداری مقصر است اما اگر جامعهء جهانی در افغانستان با فساد در موسسات خارجی و حتی موسسات مربوط به سازمان ملل متحد مبارزه می کرد می توانست سرمشقی برای دولت افغانستان باشد. مگر بخش بزرگی از کمک های جامعهء جهانی که گفته می شود به افغانستان آمده توسط همین موسسات به مصرف نرسیده است؟ اگر در این موسسات فساد و اختلاس وجود نداشته، پس چرا کسی قادر به حسابدهی نیست؟

منظور از این سخن دفاع از فساد در حکومت افغانستان نیست اما وقتی آقای یاب دهوپ سخفر سرمنشی سازمان ناتو می خواهد مسئولیت همه چیز را بدوش یکطرف بیاندازد و خود و پیمان ناتو را در افغانستان برائت بدهد، جای سوال دارد.

دلیل این امر تا حدی روشن است؛ ناتو باید به جهانیان جواب دهد که چرا و به کدام دلیل پیمان نظامی ای که بزرگترین قدرت نظامی موجود در جهان است در برابر یک نیروی کوچک و پراکنده که از نظر امکانات رزمی هرگز با ناتو قابل مقایسه نیست، در دشت ها و دره های افغانستان زمینگیر شده است؟

در افغانستان آبرو و حیثیت پیمانی زیر سؤال است که می خواهد همه از آن در هراس باشند و از آن حساب ببرند. پس باید این شکست به نحوی توجیه شود و این هیبت لااقل به شکل مصنوعی هم که شده برجا بماند. پس جای تعجب نیست اگر سرمنشی ناتو و یا دولت مقامات امریکائی در گسترش دامنهء ناامنی ها در افغانستان فساد اداری حکومت افغانستان را مقصر می دانند.

حقیقت امر اینست که در فساد مالی در افغانستان حتی نظامیان خارجی هم دست داشته اند. همه می دانیم که یک قرارداد بزرگ چگونه به اشخاص یا شرکت های مورد اعتماد خارجیان داده می شود و در این رابطه چقدر کمیشن گرفته می شود. این قرار داد بعدا به شرکت های دیگری بشکل (سب کانترکت) بفروش می رسد و در این دست بدست شدن ها هرکدام سهم و کمیشن خود را دریافت می کنند.

این فساد تنها منحصر به افغانستان نیست در عراق وضع حتی بدتر هم بوده است. مگر در عراق به ارزش میلیاردها دالر نفت این کشور مفقود نشد؟ مگر ذخایر ارزی فروش نفت تحت کنترول سازمان ملل متحد در دوران صدام حسین پس از حملهء امریکا به عراق به غارت نرفت؟ ذخایر ارزی ای که در قصر صدام مخفی شده بود و بعد از حملهء امریکا به عراق کشف شد به کجا رفت؟

مردم می دانند که زمینه ساز این غارتگری ها و دزدی ها در افغانستان و عراق کی ها هستند وحتی متهم ساختن یک حکومت غرق در فساد نمی تواند چیزی از بار مسئولیت خارجی ها بکاهد.

اما در مورد تهدید آقای کرزی برای رو آوردن به روسیه باید گفت که این تهدید بخاطر مشکلات عملی آن زیاد کارگر به نظر نمی رسد. نخست اینکه دولت افغانستان پایگاه هوائی در اختیار ندارد و همه پایگاه ها در اختیار نیروهای امریکائی است.

اگر فرض کنیم که چنین پایگاهی هم وجود داشته باشد، این طیارات برای متوقف شدن در یک پایگاه به افغانستان فرستاده نمی شوند بلکه باید به پرواز درآیند در حالیکه فضای این کشور در اختیار امریکائی هاست. مگر فراموش کرده ایم که سه سال قبل یک طیارهء مسافربری کام ایر بعلت نقص فنی خواستار فرود اضطراری در پایگاه بگرام شده بود، اما این اجازه را نیافت و سقوط کرد که موجب کشته شدن دهها نفر شد.

پس لازم است که در قدم اول دولت افغانستان کنترول زمین و فضای کشور را در اختیار بگیرد، اما در شرایطی که ادارهء اوباما، افغانستان را بزرگترین چالش نظامی خویش در جهان می داند و درصدد اعزام دهها هزار سرباز جدید به این کشور است، این کار تاچه حد می تواند عملی باشد؟

این تهدید بخاطر غیر عملی بودن آن زیاد جدی به نظر نمی رسد اما به شکلی نمایانگر نگرانی کشور های منطقه از وضع در افغانستان است. این موضع آقای کرزی که به نظر می رسد در خفا از پشتیبانی بعضی از کشور های منطقه برخوردار است، امریکا را در برابر دو گزینه قرار داده است؛ یا در رابطه با افغانستان با کشور های منطقه تفاهم نماید ویا اینکه به شیوهء دوران جورج بوش بی اعتنا به نقش کشور های منطقه به جنگ ادامه دهد.

جلب همکاری کشور های منطقه نیازمند تغییر راهبردی در سیاست های امریکاست و ایران از قبل واضح ساخته است که تا از تغییر در استراتژی امریکا مطمئن نشود، در این رابطه همکاری نخواهد کرد.

تغییر راهبردی نیاز به زمان دارد در حالیکه در شرایط فعلی، ما شاهد تداوم همان راهکار هائی هستیم که در دوران بوش معمول بود و ازدیاد نیروهای امریکایی، نشان واضح از تاکید ادارهء جدید در قصر سفید، به راه حل نظامی دارد.

به تأخیر انداختن انتخابات

جدال حکومت و پارلمان



بقیه از صفحهٔ اول

او در این نشست خبری تأکید کرد هرگز با به تأخیر انداختن انتخابات خلای قدرت ومشروعیت ایجاد نمی شود چون در آن ماده آمده است "بعد از انتخابات" ولی ایشان توجه ندارند که این سخن وقتی می توانست موجه باشد که درهمین بند "سال پنجم" می آید اما "اول جوزای آن" آن، نمی دانم آقای لودین با چه ابزاری از تفسیر اول جوزا را می برند به گونهٔ مثال به میزان یا عقرب؟! و بند بعدی آن را -که "انتخابات به منظور تعیین رئیس جمهور جدید در خلال مدت سی الی شصت روز قبل از پایان کاررئیس جمهور برگزار می گردد" است چگونه تفسیر کنند؟

برخی براین باروند که پارلمان می تواند زمان برگزاری ریاست جمهوری آقای کرزی را تاه ماه میزان تمدید کند.

بسیار احتمال دارد که برسر تأخیر انتخابات جدال پارلمان با حکومت شدت اختیار کند و پس از اول ماه جوزای سال آینده این جدال برسر ادامه کار آقای کرزی به عنوان رئیس جمهوری و یا میکانیزمی دیگر که جا نشین حکومت آقای کرزی شود شدید تر گردد.

خطر آن می رود که این جدال ها اوضاع بی ثبات افغانستان را بی ثبات تر سازد و افغانستان را از نو وارد یک بحران تازه کند. راستی تعیین زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در قانون اساسی یکی از موارد قابل بازنگری تلقی می شود. اما راه چارهٔ قانونی آن به تأخیر انداختن انتخابات نیست بلکه به تأخیر انداختن انتخابات خود یک تخطی دیگر از قانون است.

یکی از راه های بسیار عاقلانه و کم خطر این بود که به جای وارد شدن به این ورطه ها رئیس جمهور به اتفاق مجلس شورای ملی در پی حل مشکلات اساسی نظام می شدند، لویه جرگه را فرا می خواندند ضمن پرداختن به رفع نقیصه های قانون اساسی از جمله وقت برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، در رفع مشکلات نظام در پرتو تجربه پنج سال گذشته اقدام می کردند،

یکی از راه های بسیار عاقلانه و کم خطر این بود که به جای وارد شدن به این ورطه ها رئیس جمهور به اتفاق مجلس شورای ملی در پی حل مشکلات اساسی نظام می شدند. لویه جرگه را فرا می خواندند ضمن پرداختن به رفع نقیصه های قانون اساسی از جمله وقت برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، در رفع مشکلات نظام در پرتو تجربه پنج سال گذشته اقدام می کردند، نظامی را پی می ریختند که از تنش های موجود در داخل نظام و جامعهٔ افغانستان می کاست، و کشور را از درون به ثبات و استقرار سوق می داد، کاری که در انجام آن در سال های نخست این تحول غفلت صورت گرفت.

در قانون اساسی افغانستان مانند مساله انتخابات ده ها مساله اساسی دیگر وجود دارد که تجربه نیاز به بازنگری در آن ها را ثابت کرده است.

جنگ غزه در داووس...

پیرز این سخنان را غالبا در پاسخ به سخنان اردوغان نخست وزیر ترکیه ابراز می کرد در حالی که در کنار وی نشسته بود.

و گمان می کرد وجدان های بیدار را می تواند با این بیان از کشته شدن بیش ۱۳۰۰ تن و زخمی شدن بیش از ۵۰۰۰ نفر و ویرانی و تباهی هول انگیزچند روز پیش اسرائیل در غزه گمراه کند.

اردوغان با لحنی شدید حملات اسرائیل به غزه را محکوم کرد هر چند شماری دیگر از سخنرانان نیز حملات اسرائیل برغزه را مورد انتقاد قراردادند، اما نخست وزیر ترکیه با جدیت بیشتر و منطق رسا تر این جنایات را بازگو می کرد.

اردوغان گفت اسرائیل غزه را در محاصره قرار داده و این منطقه را منزوی ساخته است و آن را به یک "زندان فضای باز" تبدیل کرده است و "مردم غزه برای دست یافتن به اشیای ابتدایی مورد نیاز خویش به مجوز از اسرائیل نیاز دارند".

نخست وزیر ترکیه حملات اسرائیل برغزه را غیرقانونی توصیف کرد و افزود که دراین حملات صدها فلسطینی کشته شدند ودرحالی که اسرائیل متحمل تلفاتی چندان نشده است.اردوغان گفت حماس انتخاب دموکراتیک و بخشی از تار و پود مردم فلسطین است و حماس در مذاکرات باید در کنار محمود عباس وجود داشته باشد.

شمعون پیرز در پی این سخنان اردوغان به دفاع از محلات اسرائیل برغزه پرداخت و به تکرار آنچه در گذشت روی آورد.

اظهارات شمعون پیرز واکنش خشم آلود نخست وزیر ترکیه را برانگیخت و او اسرائیل را به کشتار غیرنظامیان متهم کرد و خطاب به پیرز گفت:" شما از من مسن ترهستید و صدایی رساهم دارید و افزود" احساساتی که در سخنان آقای پیرز وجود دارد نشانه ناراحتی وجدان است".

نخست وزیر ترکیه گفت که اظهارات شمعون پیرز شواهدی ندارد اما او شخصا کشته شدن کودکان فلسطینی و خرسند شدن دو نخست وزیر پیشین اسرائیل را سوار بر تانک مشاهده کرده است.

درحالی که حملات لفظی اردوغان بر ضد اسرائیل ادامه داشت رئیس جلسه انگتیوس با اعلام این که زمان صرف شام فرارسیده است از وی خواست تا سخنان خود را خاتمه بخشد. این کار موجب برانگیختن واکنش شدید نخست وزیر ترکیه شد، او با لحنی اعتراض آمیز با برخورد رئیس جلسه گفت زمانی که برای سخنرانی پیرز اختصاص یافته بود دوبرابر زمان داده شده برای او بود، او با گفتن این سخن مدیریت جلسه را غیرعادلانه خواند و آن را ترک کرد.

اردوغان پس از خروج از جلسه به خبرنگاران گفت: "من همواره رهبری بوده ام که آشکار را یهودی ستیزی را جنایتی بر ضد بشریت دانسته ام و همچنین اسلام ستیزی را جنایت برضد بشریت می دانم"

اردوغان پس از بازگشت به ترکیه در فرودگاه استانبول گفت: "وظیفه من حفاظت از شرف ملت ترکیه است".

اردوغان پس از این حادثه در فرودگاه استانبول در بازگشت از سوی هزاران نفر از مردم ترکیه مورد پذیرایی و تحسین قرار گرفت، تظاهرکنندگان در حالی که پرچم های ترکیه و فلسطین را به اهتزاز در می آوردند اردوغان را قهرمان ملی مردم ترکیه می خواندند.

ترکیه از جمله چندین کشور اسلامی است که با اسرائیل روابط دپلوماتیک دارد، با این حال برخورد حکومت تریکه به رهبری اردوغان در برابر اسرائیل و دفاع آن از مردم فلسطین اردوغان را نه تنها درترکیه و فلسطین بلکه در سراسر جهان اسلام وعرب به یک سیاسی دوست داشتنی و محبوب تبدیل کرده است.

تحلیل گران این برخورد حق خواهانه و انسانی اردوغان را نخستین واکنش انسانی در برابر گردن فرازی اسرائیلیان در مجامع بین المللی می دانند.

د ملکي وګړو وژنه...

چې یکې په یوواده بمبارې شوې وه. نورې په لسګونو او سلګونو داسې پېښې تکرار شوې چې په کې ایتلافي ځواکونو عام ملکي وګړي بمبار کړي دي. د هېواد په جنوبي ولایتونو (زابل، هلمند، قندهار، ارزګان او پکتیا) کې خو چیرې چې د دولت مخالفین پراخه نفوذ لري .زمونږ د هېوادوالو ژوند هره شیبه له ګواښ سره مخ دی او د دغو سیمو خلک د ډانګ او پرانګ ترمینځه قررا لري. له یوې خوا د دولت د مخالفینو لخوا په تنګ راغلي او له بلې خوا د نړیوالو ایتلافي ځواکونو د بمباریو او وخت ناوخته د ورځې او شپې لخوا د تلاشیو څخه: چې په نتیجه کې یې د ښځو، ماشومانو او بوډاګانو په شمول د کورنیو بې وزله غړي خپل ژوندونونه له لاسه ورکوي. نه د طالبانو او دولت د مخالفینو مخه نیول د هغوی دوسې خبره ده او نه د ایتلافي ځواکونو مخه نیول.

د جنوبي ولایتونو سربېره د هېواد په لویدیځو او جنوب لویدیځو ولایتونو کې هم دې ته ورته وضع حاکمه ده: نږدې څو میاشتې وړاندې په هرات کې په یوه غریب مېشته سیمه کې د نړیوالو ځواکونو بمباریو او توغندیو ورولو هلته د سلو په شاوخوا کې ملکي عام وګړي. ښځې، کوچنیان او بوډاګان شهیدان کړل چې د ښدې په نیت راغونډ شوي زمونږ دغه هېوادوال یې د غم او وېر په تغر کښېنول. د پلټنو او تحقیقاتو وروسته څرګنده شوه چې نه دغه شهیدان شوي افغانان طالبان ېـ د دولت مخالفین ؤ او نه هم دې ته ورته د نورو داسې پېښو په تلفاتو کې وژل شي زمونږ نور هېوادوال.

داسې پېښې یوازې په ننګرهار، لغمان، کنړ او نورستان کې په څو ځله داسې پېښې تکرار شوې: په شینوارو کې او په نورستان کې دې ته ورته پېښې تکرار شوې چې یې د ښدې په مراسمو بمباري وشوې او یا هم د سړک په جوړونکو مزدورانو او کـري ډله بندې بمباري وشوې د ننګرهار په شینوارو کې او په نورستان کې د ملکي او عامو وګړو د شهیدانولو وروسته چې یې لاکـل نه ؤ پوره شوی. دا دی د لغمان په ولایت کې داسې پېښې په تکرار ډول ترسره شوې چې د دې وروستی پېښې تلفات دا خل شپږ س زمونږ د لغمان ولایت عام اوسیدونکي او کوچیان وضوالـ ؤ. د کوم حقیقت څرګندونه چې د لغمان ولایتي شورا مشر وکړه چې د رښتیو سره په مرکه کې یې په ډاګه کړه چې وژل شوي وګړي طالبان نه. بلکې د لغمان عام وګړي دي هسې خو د هېواد ولسمشر په دې زیـترو پېښو خپله نخوښي او یا خپګان څرګند کړی او کله کله یې خو د تمسح اوښکې هم پرې توي کړي چې ورسره ورسره یې د هر وژل شوي افغان بیه! هم یو یـ دوه لکه افغانۍ د همدردي او غم شریکۍ په توګه ورکړې! او بیـ د پېښې د تحقیقاتو لپاره یو کمیسیون کله نـ کله ټاکل شوی چې د هغې نتیجه هم د مرکانو په مجلس کې پیشوته د ګنګرې د اچولو په معمـ بدله شوې او چې غـټ لالا (امریکـ) یې و نه مني نو په چا به یې ومني، چې وژل شوي خلک د دولت مخالفین یا طالبان نه. بلکې عام ملکي وګړي دي؟!

دا خل د لغمان په پېښې سره چې کابینې کومه پریکړه وکړه .چې ناټو ته رسمي مکتوب ولیکل شي .دا کار هم وشو او د هېواد د دفاع وزارت لخوا یو مکتوب ناټو ته په رسمي توګه ولیږل شو او د دولت لخوا له هغې یوولس فقره ایزې پریکړې څخه د ناټو او آیساف ځواکونو مشران خبر کړای شو چې نور خپل عملیات د افغانستان د دولت سره همغږې کړي او د خودسرو عملیاتو لرې ودروي او دا چې په هېڅ ډول د افغانستان دولت ته د ملکي وګړو او عامو افغانانو وژنه د زغم وړ نده. نو باید د ملکي او عامو وګړو له وژنو څخه مخنیوی وشي د پنجشنبې په ورځ د یو مطبوعاتي کنفرانس په ترڅ کې چې د افغانستان د دفاع وزارت او په هېواد کې د ناټو د قومندانانو لخوا په ګډه ورکړای شو، له دغې رسمي مکتوب د رسیدو او په اړه یې د ګډو هڅو د تصمیم له اعلان څخه رسنۍ خبرې شوې چې له دې وروسته به د دې مخنیوی کولای شي. نو ولیدل شي چې د امریکـ په مشرتابه کې له بدلون وروسته او هم د پاکستان او افغانستان د سیمو لپاره د یو نوي تجربه کار دیپلومات "ریچرد هولبروک" د ټاکل کېدو وروسته چې "اوبامـ" د خپلې لورې له پورته کولو وروسته په لومړۍ اونۍ کې او په سیمه کې د ترهګرۍ پرخلاف جګړه کې څه بدلونونه صورت مومي؟! که امریکا د خپلې استراتیژۍ او پالیسو هر بدلون په نظر کې لري خو افغان ولس نور د ملکي او عامو وګړو وژنه نشي زغملای او له خپل دولت څخه دغه پوښتنه هره شیبه راولاړیږي چې د ملکي وګړو وژنه. آخر ترکومه؟!

هفته نامهٔ

والنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می‌کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم - سال هفتم - شمارهٔ سی وچهارم شنبه ۱۲ دلو ۱۳۸۷- ۵ صفر ۱۴۳۰ - 31 - January 2009

جنگ غزه در داووس



اجلاس اقتصاد جهانی که در شهر داووس کشور سویس دایر می گردد، امسال هوایی دیگر داشت، غالباً این اجلاس که در آن شماری از رهبران جهان شرکت می کنند با آرامش و سکون برگزار می گردد، اما امسال جنگ غیرانسانی اسرائیل در غزه بر آن سایه افگنده و آن را متشنج کرد.

در جلسهٔ روز پنجشنبه جمعی کثیر از مقامات و شخصیت های شرکت کننده دراین اجلاس از جمله بان کی مون دبیر کل سازمان ملل و والری جارت مشاور ارشد رئیس جمهور امریکا حضور داشتند این جلسه به بررسی بحران خاورمیانه اختصاص یافته بود.

رجب طیب اردوغان نخست وزیر ترکیه از سخنرانان این جلسه بود.

شمعون پیرز رئیس جمهور اسرائیل در جلسات قبلی دربارهٔ جنگ غزه سخن گفته بود، او با آواز بلند وغرش داستان جنگ جنایت آمیز اسرائیل در غزه را چنان بیان می گرد که گویا شاخه های زیتون را در اهتزاز در آورده است. او حماس را عامل جنگ غزه معرفی کردکه میلیون ها زن و کودک اسرائیلی را با شلیک موشک رعب زده ساخته است!

شمعون پیرز ۲۵ دقیقه سخن گفت همه را در ذم حماس و در توجیه جنایات اسرائیل گفت. بمباران مدارس و ساختمان های غیرنظامی توسط اسرائیل به دلیل استفادهٔ گروه های فلسطینی به عنوان محل پرتاب موشک از آن ها بوده است!

رئیس جمهور اسرائیل گفت که ارتش این کشور قبل از حمله بر مناطق غیرنظامی در غزه به ساکنان آنها اطلاع می دادند که محل را ترک کنند تا آسیبی به آنان وارد نشود، و برای این منظور حتی از تماس تلفنی استفاده می کرد در حالی که حماس به حفظ جان غیرنظامی توجهی نمی کرد!

ادامه درص ۷

رویدادهای هفته

بازداشت چندین شورشی طالب در نیمروز

ژنرال پردل فرماندهٔ پلیس نیمروز گفته است که طی یک عملیات تصفیوی که روز دوشنبه ۷ جدی درولایت نیمروز انجام شد، پانزده تن از اعضای طالبان شورشی را بازداشت و دو تن دیگر آنان را کشته اند.

به نقل از فرمانده پلیس نیمروز گزارش شده است که تمام بازداشت شدگان شهروندان پاکستان هستند، این مقام امنیتی مجروح شدن دو سرباز ارتش ملی را در این عملیات تایید کرده است.

اعضای هیأت اداری مجلس نمایندگان انتخاب شدند

انتخابات برای تعیین هیأت اداری مجلس نمایندگان روز دوشنبه ۷ دلو آغاز پایان یافت. در انتخابات میرویس یاسینی درپست معاون اول، امان الله پیمان معاون دوم، عبدالستار خواصی منشی اول و محمد صالح سلجوقی درپست منشی دوم انتخاب گردیدند.

به اساس اصول وظایف داخلی ولسی جرگه در شروع هر سال کاری، معاون اول و دوم منشی و نائب منشی هر دو مجلس به اساس رای اکثریت نماینده گان انتخاب میگردند.

مجلس نمایندگان با تاخیر انتخابات مخالفت کرد

مجلس نماینده گان به تاخیر افتادن برگزاری انتخابات ریاست جمهوری را مخالفت صریح با قانونی اساسی این کشور اعلام کرده است.

صالح محمد سلجوقی منشی مجلس نمایندگان به بی بی سی گفته است که مجلس نمایندگان از برنامه تاخیر انتخابات حمایت نمی کند.

دبیر مجلس نمایندگان گفته است که شورای ملی به این نظر است که عدم رعایت قانون اساسی در این کشور سبب سلب اعتماد مردم و ایجاد بحران می شود و حکومت به عنوان نهاد حافظ و حامی قانون باید آنرا رعایت کند.

محاکمه دو مامور پلیس در هلمند

برای بار اول دو مامور پلیس به جرم تجاوز جنسی بر یک پسر دوازده ساله در ولایت هلمند به ۱۷ حبس محکوم شدند.

روزنامهٔ پیمان به نقل از محمدیوسف مسؤول محکمه زون نظامی قندهار گزارش داده است که این افراد به جرم سوء استفاده از یونیفورم پلیس به ۱۷ سال حبس محکوم شده اند.

کشته و مجروح شدن ۱۳ فرد ملکی در ولایت قندهار

بر اثر انفجار یک ماین کنار جاده در مسیر سرک ولسوالی ژیری روز سه شنبه ۸ دلو منجر به کشته شدن ۴ تن و مجروحیت ۹ نن دیگر گردید.

وزارت امور داخله با ارسال نامه خبری به هفته مجاهد نوشته است که در این حادثه خسارات مالی نیز به افراد ملکی وارد شده است

در خبرنامه گفته شده است که مجروحان حادثه به کمک پلیس به شفاخانه انتقال گردیدند که وضعیت آنها قناعت بخش میباشد.

ضبط هزار کیلوگرام مواد انفجاری در ننگرهار

روز سه شنبه ۸ دلو منسوبان ریاست استخبارات وزارت امور داخله موفق به کشف یک تن مواد منفجره در ولایت ننگرهار شدند. وزارت امور داخله در خبرنامه یی گفته است که این مواد در ۲۰ بوری جا به جا و دریک واسطه نقلیه جاسازی شده بود تا از آن در انجام حملات تروریستی استفاده شود. یک تن در پیوند به این قضیه دستگیر شده است.

پیام تسلیت

دست اندرکاران مجاهد مرگ نا به هنگام داریوش را برای آقای دکتور شمس الحق آریانفر اتشهٔ فرهنگی سفارت افغانستان در دوشنبه که برادر زادهٔ ایشان بود و به والدین و همبستگان مرحوم تسلیت عرض نموده، برای مرحوم از خداوند بهشت برین استدعا دارد.

داریوش فرزند محمد حسن در سال ۱۳۶۳ در شهر ایبک ولایت سمنگان زاده شد. آموزش را تا صنف ۱۲ در لیسه شهر ایبک با نمرات عالی سپری نمود. در سال ۱۳۸۴ آموزش عالی را در رشته مهندسی در دانشگاه پلیتخنیک تاجیکستان آغازکرد.

داریوش به تاریخ ۱۵ جدی سال ۱۳۸۷ با ختم امتحانات سمستر اول سال سوم تحصیل، جهت استفاده از رخصتی ۲۰ روزه به افغانستان آمد. بعد از ۱۲ روز که در ولایت سمنگان بود روانه کابل شد تا پاسپورت تحصیلی خود را از وزارت خارجه خروجی بگیرد و دو باره برای ادامه تحصیل روانه تاجیکستان شود.

با دریغ در مسیر راه سالنگ گرفتار برف کوچ شد. موتر سواری داریوش همراه با چهارتن دیگر مدت دو روز در زیر برف ها بود. هرچند در صورت رسیدن کمک های عاجل احتمال نجات آنان وجود داشت اما با آن هم زحمت کشی مسوولان در خدمت به مسافران قابل قدراست.

داریوش جوان که تازه نامزد شده بود همراه با چهار تن دیگر با همهٔ آرزوها از جهان رفتند.

انا لله و انا الیه راجعون

مکتب ابتدائیه بین المللی خصوصی امید افغان - ترک با تجربهٔ ۱۳ سالهٔ

لیسه های عالی افغان - ترک در عرصهٔ تعلیم و تربیه در افغانستان



با داشتن ویژگی های ذیل

- فضای آموزشی مناسب
- استادان مجرب ترکی و افغانی
- تدریس مطابق معیارهای بین المللی
- تدریس زبانهای انگلیسی و ترکی با میتودهای سمعی و بصری
- تدریس کمپیوتر در لابراتوار مجهز
- فعالیت های اجتماعی جهت شکوفایی استعدادها
- ترانسپورت جهت حمل و نقل شاگردان

برای سال تعلیمی ۱۳۸۸ از صنوف اول الی پنجم شاگرد می پذیرد.
غرض ثبت نام عجله نمایید، تعداد پذیرش محدود است.

آدرس: سرک پنجم قلعهٔ فتح الله خان

شماره تماس: 0799 30 68 46 -0700 24 73 62-0700 24 62 72